

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۹
تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۵

عباس قدیمی قیداری*
شهناز جنگجو قولنجی**

چکیده

در چشم انداز تاریخی، از آغاز اصلاحات غرب‌گرایانه در ترکیه به خصوص در دوره کمال آتاتورک تغییرات مهمی در سیاست‌های آموزشی ترکیه، به موازات تغییرات اجتماعی-سیاسی صورت گرفته است. کمال آتاتورک با در پیش گرفتن سیستم آموزش ملی و سکولار، درصدد دستیابی به اهداف خود مبنی بر ایجاد یک دولت-ملت مستقل، واقع‌گرا و آینده‌نگری بود که مردم ترکیه را به یک دولت-ملت متحد و متمدن جهان معاصر تبدیل کند. در این دوره، آموزش و پرورش تبدیل به وسیله‌ای برای تعمیم و تعلیم آرا، افکار، سیاست‌ها و آرمان‌های حکومت به رهبری کمال آتاتورک گردید. سیاست‌های کلی حاکم بر نظام آموزشی ترکیه از سوی حکومت تعیین شده و دولت تقریباً تسلط کامل و انحصاری بر امر آموزش داشت. بنابراین، نظام آموزشی ترکیه با انتقال از حکومت عثمانی به جمهوری دچار تحولات بنیادینی شد و در پی اصلاحات صورت گرفته، نظام آموزشی در دوره مورد بحث تبدیل به نظامی دولتی و غیردینی گردید. با وجود اقدامات صورت گرفته در این دوره، برای گسترش آموزش و پرورش آمار و ارقام نشان‌دهنده تغییرات اساسی در این زمینه نیست.

واژگان کلیدی: ترکیه، نظام آموزشی، کمال آتاتورک، اصلاح

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز

** کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۷۶-۱۵۷.

مقدمه

از قرن نوزده، دولت‌مردان عثمانی با آگاهی از ضعف و عقب‌ماندگی خود نسبت به غرب، دست به یک‌سری اصلاحات غرب‌گرایانه زدند که این اصلاحات در دوره حکومت کمال آتاتورک به اوج خود رسید. سیستم آموزشی ترکیه یکی از اولین حوزه‌هایی بود که با آغاز اصلاحات غرب‌گرایانه در امپراتوری عثمانی دستخوش تغییراتی گردید و راه ورود عناصر غربی را در سیستم آموزشی باز نمود.

جنبش اصلاحی قابل توجه در زمینه آموزش و پرورش، با آغاز جمهوری و در دوره حکومت کمال آتاتورک شروع شد. سوال اصلی این پژوهش نیز در همین راستا شکل می‌گیرد که تاسیس جمهوری ترکیه و اندیشه‌ها و برنامه‌های اصلاحی آتاتورک کدام جنبه از سیستم آموزشی ترکیه را به چالش کشید و چه اقداماتی در راستای تغییر این سیستم آموزشی صورت گرفت و نتایج آن چه بود؟ این تحقیق با اتکا به منابع ترکی و فارسی و انگلیسی، به فراخور ظرفیت یک مقاله کوتاه، می‌کوشد تا پاسخی تحلیلی به این سوال و جنبه‌های مختلف آن به‌دست دهد.

هدف مقاله حاضر نیز بررسی تغییر و تحول در نظام آموزشی ترکیه در دوره حکومت کمال آتاتورک (۱۹۳۸-۱۹۲۳) است؛ یعنی تغییراتی که در سیاست‌ها و اهداف آموزشی، شیوه آموزشی، ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزشی و غیره صورت گرفت. همچنین، روشن نمودن گوشه‌ای از تاریخ فرهنگی جامعه ترکیه به‌عنوان یک کشور اسلامی و همسایه هدف دیگر این مقاله است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و تاریخی، و نوع تحقیق از نوع بنیادی-نظری است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد.

نظام آموزشی ترکیه پیش از حکومت کمال آتاتورک

اگرچه در طول دوره حکومت عثمانی تعلیم و تربیت کم‌وبیش مورد توجه بوده و دانشگاه‌هایی نیز از مدت‌ها پیش در این سرزمین فعالیت داشته‌اند، اما تا قبل از دوره تنظیمات، معارف در امپراتوری عثمانی به‌صورت بسیار ابتدایی بود. تعلیم در انحصار مدارس مذهبی قرار

داشته و تعلیمات نیز محدود به امور مذهبی بود و از تعلیم و تربیت به معنای واقعی و دقیق کلمه اثری نبود، اگرچه در این مدارس اطلاعات ضروری نیز برای زندگی روزمره ارایه می‌شد، ولی این اطلاعات بسیار سطحی بود.^۱ توسعه و پیشرفت مدارس و موسسات آموزشی- علمی عثمانی‌ها، بستگی به قدرت دولت مرکزی و ثبات سیاسی و اقتصادی امپراتوری داشت. بدین ترتیب از اواخر قرن شانزده به بعد، با آغاز ضعف و انحطاط دولت عثمانی، شاهد تنزل و سقوط مدارس و موسسات آموزشی، مانند دیگر موسسات امپراتوری هستیم.^۲

با آغاز اصلاحات غرب‌گرایانه در امپراتوری عثمانی از قرن نوزدهم به بعد و به موازات اصلاحات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، سیستم آموزشی ترکیه نیز به تدریج دچار تغییر و تحول گردید. مهم‌ترین اصلاحات سیاسی- اجتماعی در امپراتوری عثمانی در دوره تنظیمات صورت گرفت. تاثیر اقدامات اصلاحی شروع شده با فرمان تنظیمات سال ۱۸۳۹ بر آموزش و پرورش، صدور فرمان سلطنتی ۱۸۴۵ توسط عبدالمجید (۱۸۶۱-۱۸۳۹) بود که شامل موارد زیر می‌شد: ۱. جهل مردم باید متوقف شده و آنها باید آموزش یابند؛ ۲. آموزش و پرورش و همچنین آموزش حرفه‌ای باید ارتقاء یابد؛ ۳. آموزش و پرورش باید همان اندازه که مذهبی است، دنیوی نیز باشد؛ و ۴. مدارس باید در همه جای کشور دایر شوند.^۳

بدین ترتیب در قرن نوزدهم، حکومت عثمانی مدارس برای تربیت افسران نظامی و کارمندان اداری و اطباء و همچنین تعدادی مدارس ابتدایی و متوسطه دایر کرد.^۴ نخستین گام در این زمینه در ۱۸۴۸، با تاسیس دارالمعلمینی برای تربیت معلم مدارس متوسطه با برنامه غیرمذهبی برداشته شد و تا سال ۱۸۵۳ بیست و پنج دبیرستان گشایش یافت. در ۱۸۶۹ نیز فرمانی برای تعلیم اجباری صادر شد، که در واقع اولین فرمان قانون آموزش رسمی در جهان اسلام بود،^۵ اما در عمل بدون نتیجه ماند.^۶ در سال ۱۸۷۷ دارالمعلمینی برای دختران تاسیس شد.^۷ همچنین در این دوره مسجد تحت کنترل دولت درآمد، مدارس متوسطه غیرمذهبی و مدارس پزشکی، مهندسی، حقوق و مدارس نظامی در استانبول تاسیس گردید.^۸ اگرچه در این دوره دروسی چون تاریخ، جغرافیا و ریاضیات به دروس مذهبی اضافه شدند،^۹ اما حتی در مدارس جدید نیز دروس مذهبی و تعلیم زبان‌های عربی و فارسی در اولویت قرار داشت.^{۱۰} در ۱۸۴۷ وزارت آموزش

دایر شد.^{۱۱} اگرچه تعداد مدارس و شاگردان این دوره چندان قابل توجه نبود، اما در هر حال تحول مهمی محسوب می‌شد و ایجاد مدرسی با معلمین و مواد درسی خارج از حیطه اقتدار علما، راه را برای برقراری سیستم فرهنگی غیرمذهبی آماده می‌ساخت.^{۱۲} با وجود اقدامات صورت گرفته در زمینه آموزش و پرورش از آغاز اصلاحات، در دایره‌المعارف که در ۱۹۰۵ در نیویورک به چاپ رسیده است، در خصوص آموزش و پرورش عثمانی آمده است: «هرچند که مدارس عمومی در بیشتر شهرها ایجاد شده، اما آموزش و پرورش به‌طور وسیعی مورد غفلت قرار گرفته است.»^{۱۳}

در دوره ترکان جوان با عقیده بر اینکه که نجات امپراتوری در دستان معلمان است، آموزش و پرورش مورد توجه اصلاح‌گران قرار گرفته و گسترش یافت. در ۱۹۱۳، طرح تعلیمات اجباری دوباره مطرح شده و اجبار حضور در مدارس ابتدایی تصویب گردید که این بار نیز نتیجه‌ای حاصل نشد.^{۱۴} ترکان جوان سیستم جدیدی از مدارس ابتدایی و متوسطه غیردینی و مدارس تربیت معلم و آزمایشگاه‌های تخصصی به‌وجود آوردند.^{۱۵} مدارس دولتی توسعه یافت. دانش‌آموزان تشویق شدند که برای تحصیل به خارج بروند و مسلمانان ترک حتی مصمم شدند که به‌طور گسترده در مدارس اروپایی و آمریکایی حضور یابند. همچنین، در مورد مدارس مذهبی اصلاحات جدی صورت گرفت. برای اولین بار در مدارس مذهبی می‌بایست علوم مدرن توسط معلمان نوگرا تدریس می‌شد.^{۱۶} در این دوره، همچنین نظارت بر مدارس دینی به وزارت آموزش و پرورش واگذار شد و بدین ترتیب، دین‌زدایی سریع مدارس به دوگانگی به‌وجود آمده در آموزش و پرورش، خاتمه می‌داد.^{۱۷}

نظام آموزشی ترکیه در دوره حکومت کمال آتاتورک

آموزش و پرورش از نگاه کمال آتاتورک

کمال آتاتورک معتقد بود که فرهنگ و آموزش هر کشوری، پایه‌های استقلال و تمدن آن کشور را تشکیل می‌دهد.^{۱۸} وی که معتقد بود: «راهنمای واقعی در زندگی علم است»،^{۱۹} از آغاز حکومت خود و حتی قبل از آن، به مساله آموزش و پرورش توجه خاص داشت. وی یک روز قبل از جنگ ساکاریه، که یکی از جنگ‌های مهم میان ترکیه و یونان در جریان جنگ استقلال

۱۹۱۸-۱۹۲۲ بود، گفته بود: «به گمان من اصول تعلیم و برنامه دروس آموزشگاه‌های ما، مهم‌ترین عوامل انحطاط کشور ما بوده است. بدین جهت است که وقتی می‌گویم برنامه آموزش و پرورش، قصد من فرهنگ وارسته از خرافات، افکار بیگانه و نفوذ زیانبخش شرق و غرب است، فرهنگی در خور ملت ما و استعداد افراد آن.»^{۲۰}

کمال آتاتورک که در صدد غربی کردن ترکیه و وارد کردن ترکان به جهان مدرن بود، بر این اعتقاد بود که از طریق آموزش است که ترکیه می‌تواند خود را به تمدن غربی رسانده و با آن همگام شود.^{۲۱} هدف کمال آتاتورک ایجاد یک دولت-ملت ترک واقع‌گرا و آینده‌نگری بود که نه تنها می‌بایست علیه تهاجم دشمن در میدان جنگ فائق می‌آمد، بلکه مردم ترک را به یک دولت متحد متمدن جهان معاصر تبدیل کند؛ به‌طوری که دولت جدید هیچ‌گاه تحت سلطه قدرت خارجی قرار نگیرد. وی یکی از راه‌های تامین این هدف خود را تاکید خاص و جدی بر آموزش و پرورش ملی می‌دانست. وی تکیه بر آموزش مذهبی و کمبود آموزش ملی و سکولار را مسئول شرایط بد مسلمانان جهان دانسته و معتقد بود که چنین آموزشی نمی‌تواند به آنها هوشیاری و آگاهی لازم برای شکستن زنجیر اسارت و بردگی دیگر ملت‌ها بدهد. از نظر وی، تنها با اتخاذ آموزش و پرورش ملی است که اکثریت مسلمانان در دست یافتن به موجودیت ملی و مستقل خود و حفظ آن در بلندمدت در مقابل تهدید فساد و تنزل داخلی و تسلط خارجی بعد از آن موفق شوند.^{۲۲}

وی می‌گفت: «آموزش و پرورش باید ملی باشد. اشخاص باید یاد بگیرند که ارزش‌های ملی‌شان، همچنین دولت، مجلس نمایندگان و جامعه‌شان را حفظ کنند. اساس اصولی که جمهوری ترکیه را تشکیل می‌دهند، مانند: ملی‌گرایی، سکولاریسم و غیره باید به هر وسیله‌ای که باشد، در جامعه ترکیه به اجرا درآیند. آموزش و پرورش باید علم را اساس خود قرار دهد و باید مطابق آن شکل گرفته و عمل کند. اهداف، محتویات و وسایل آموزش و پرورش باید مطابق داده‌های علمی جدید تنظیم شوند، به‌طوری که هنر، اقتصاد، شعر و ادبیات و خلاصه ملت ترک بتواند با همه زیبایی‌هایش توسعه یابد.»^{۲۳}

اصلاحات در نظام آموزشی ترکیه

سیستم آموزشی ترکیه در آغاز حکومت جمهوری، با وجود تمام تلاشی که از آغاز اصلاحات جهت توسعه و بهبود آموزش و پرورش صورت گرفت، بسیار آشفته بود.^{۲۴} اگرچه سیاست‌های غرب‌گرایانه و نوسازی که در سال ۱۸۳۹ شروع شده بودند، از همان مراحل اولیه در حوزه‌های آموزشی به اجرا درآمده بودند، ولی جنبش اصلاحی قابل توجه در این زمینه، هم‌سو و هم‌جهت با تمدن غرب با آغاز جمهوری و در دوره حکومت کمال آتاتورک شروع شد. کمال آتاتورک برای دستیابی به تغییرات اجتماعی و نوسازی مورد نظرش، توجه به آموزش و پرورش و فرهنگ را در اولویت قرار داد.^{۲۵} در مارس ۱۹۲۴ همراه با نهاد خلافت، مدارس دینی برجیده شده و مکتب‌ها و مدارس علوم دینی در یک نظام یکپارچه آموزش ملی و تحت مدیریت وزارت آموزش و پرورش تلفیق شده و آموزش مقدماتی برای کلیه مردم اجباری و رایگان گردید.^{۲۶}

قانون اتحاد آموزش و پرورش سال ۱۹۲۴ شامل موارد زیر بود:

۱. اتحاد موسسات علمی و آموزش و پرورش؛
 ۲. وابستگی همه مدارس و موسسات آموزشی اداره شده به وسیله وزارت شریعت و اوقاف و همه موسسات آموزشی خصوصی به وزارت آموزش و پرورش؛
 ۳. انتقال منبع مالی وزارت شریعت و اوقاف به بودجه آموزش و پرورش؛ و
 ۴. دایر نمودن یک مدرسه الهیات در دارالفنون (دانشگاه) برای تربیت متخصصان عالی‌رتبه مذهبی و دیگر مدارس برای تربیت امامان (جمعه) و واعظان.^{۲۷}
- در سال ۱۹۲۸، بندی که دین دولت ترکیه را اسلام معرفی می‌کرد، از قانون اساسی حذف شد و یک دولت سکولار در ترکیه ایجاد شد.^{۲۸} و روشنی تصریح شد که دولت، سکولار است و از آزادی مذهب، علم و آزادی اندیشه حمایت می‌شود. بدون تردید اتخاذ سیاست سکولاریستی تاثیر فراوانی بر امر آموزش و پرورش نهاد. درس فرهنگ مذهبی و اخلاق دیگر نه اجباری، بلکه انتخابی بود.^{۲۹} البته لازم به ذکر است که زمینه‌های جدایی دین از سیاست، به تدریج از دوره تنظیمات به بعد ایجاد شده و این امر حتی در طی دوره حکومت محافظه کار عبدالحمید دوم که با تاسیس مدارس نظامی، فنی و پزشکی به تقویت ارتش اهتمام نموده و از متخصصان آلمانی

برای آموزش ارتش بهره می‌برد، ادامه یافته بود. در همین مدارس بود که دانش‌های مختلف را به شیوه غربی لائیک و غیردینی به دانش‌آموزان انتقال می‌دادند.^{۳۰}

یکی از مهم‌ترین اصلاحات مربوط به سیستم آموزشی ترکیه در دوره مورد بحث، جایگزینی الفبای لاتین با الفبای عربی بود. ابتدا در ۲۴ مه ۱۹۲۸ به موجب قانونی استفاده از اعداد بین‌المللی به جای اعداد عربی مورد تصویب قرار گرفت^{۳۱} و بعد در نوامبر همان سال، مجلس کبیر ملی قانونی را به تصویب رساند که طبق آن خط لاتین به عنوان خط رسمی ترک‌ها معرفی شده و استفاده از خط عربی ممنوع اعلام گردید.^{۳۲} کتاب‌ها و روزنامه‌ها و ... می‌بایست به خط لاتین چاپ و منتشر می‌شد و کارمندان دولت اگر خط لاتین را به کار نمی‌بردند، اخراج می‌شدند. زندانیان تا وقتی که خط جدید را یاد نمی‌گرفتند، حتی اگر دوره محکومیت آنها تمام نمی‌شد، از زندان آزاد نمی‌شدند.^{۳۳}

اختراع الفبای جدید را یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های کمال آتاتورک دانسته‌اند که موجب تحول بزرگ و عمیقی در فرهنگ ترکیه شد.^{۳۴} لازم به ذکر است که اگرچه برخی از مورخان معتقدند که استدلال‌های مختلفی که به منظور توجیه تغییر خط؛ از جمله اینکه الفبای عربی قادر به بیان رسای صداها و ترکی نیست و تدریس آن سخت است و چاپ آن مشکلات فراوانی دارد، بی‌اساس نبوده‌اند، اما در عین حال معتقدند که جنبه اجتماعی و فرهنگی این تغییر بیشتر از جنبه علمی و آموزشی آن، هدف اصلی این تغییر بوده است که به واسطه آن راه برای انقطاع نهایی با گذشته و با شرق و برای ادغام نهایی ترکیه در تمدن غرب کاملاً باز و بی‌مانع می‌شد.^{۳۵}

از نتایج سودمند این جایگزینی به موارد زیر اشاره شده است: ۱. کاهش زمان یادگیری خواندن و نوشتن؛ و ۲. تسهیل یادگیری زبان‌های اروپایی برای ترکان و متقابلاً تسهیل مطالعه زبان ترکی برای خارجیان آشنا با خط لاتین.^{۳۶}

سیاست‌های کلی نظام آموزشی

تعیین سیاست‌های کلی نظام آموزشی ترکیه در این دوره، از وظایف وزارت آموزش و پرورش بود که با کمک شورای آموزشی انجام می‌شد. اعضای شورای عالی شامل مقامات رسمی وزرات و

نمایندگانی از معلمان و مدیران سطوح مختلف آموزشی بود که هر چند وقت یکبار تشکیل جلسه داده و طی آن در مورد سیاست‌های آموزشی تصمیم می‌گرفتند.^{۳۷}

دولت تقریباً تسلط کامل و انحصاری بر امر آموزش داشت و تنها استثنا موجود در این زمینه، وجود تعداد انگشت‌شماری مدارس خارجی و نیز مدارس اقلیت مذهبی بود که البته آنها نیز مشمول قانون وحدت آموزش عمومی شده و تحت نظارت وزارت آموزش عمل کرده و کارکنانشان از جانب این وزارت تعیین می‌شدند.^{۳۸} در این دوره نظام آموزشی تبدیل به وسیله‌ای برای تعلیم، تعمیق و تعمیم سیاست‌ها و آرمان‌های حکومت گردید؛ برای مثال، اگر به برنامه تعلیماتی سومین مجمع حزب خلق که در ۱۹۳۱ تنظیم شد و همچنین اهداف خانه‌های خلق که برای آموزش سیاسی مردم شکل گرفتند توجه کنیم، این امر هرچه بیشتر آشکار می‌شود. این برنامه‌ها شامل موارد زیر بود:

۱. اساس سیاست تعلیماتی ما این است که ریشه جهل را از کشور خود براندازیم؛
۲. نیت ما این است که اهالی کشور را مردمی جمهوری‌خواه و وطن‌دوست و لایق بار آوریم؛
۳. برای تربیت فکری و جسمی اطفال کشور، تاریخ باشکوه و جلال ملت ترک باید منبع فیض باشد؛
۴. تربیت باید افراد را برای موفقیت در امر معاش و تدبیر منزل آماده سازد؛
۵. تعلیمات باید جنبه قومی و وطنی داشته باشد و از نفوذ هر قسم افکار خرافاتی و بیگانه منزّه بماند؛

۶. در تربیت اطفال باید دلسوزی با انضباط محکم و تعلیمات اخلاقی توأم باشد؛ و
۷. به تاریخ ترک باید توجه مخصوصی مبذول گردد؛ در هر دهکده‌ای باید دبستانی تاسیس شود و تعلیم دستورهای صحی و موارد فلاحتی و فنی جزو برنامه آن قرار گیرد.^{۳۹}

در این دوره همچنین به آموزش سیاسی مردم توجه شده، و بدین ترتیب، حزب جمهوری‌خواه خلق به مهم‌ترین سازمان حکومتی برای آموزش سیاسی توده‌ها و تعلیم آرمان‌های جمهوری تبدیل شد.^{۴۰} در سال ۱۹۳۲، سازمانی تحت عنوان «خلق اولری» (خانه‌های خلق) توسط حزب حاکم در شهرها و شهرستان‌های بزرگ تاسیس شد. شعباتی از این سازمان بعدها

تحت عنوان اتاق‌های خلق در شهرهای کوچک و روستاها نیز تاسیس شدند. این سازمان‌های حزبی در چندین سطح عمل می‌کردند. همچون مراکزی برای آموزش بزرگسالان و نیز مدرسی برای آموزش سیاسی ترک‌ها در همه سنین عمل می‌کردند. مهم‌ترین آرمان تشکیلات جدید، آموزش آرمان‌های کمالیستی و ایجاد وحدت ایدئولوژیک در میان نخبگان تحصیل کرده حزب و مجلس و توده‌ای مردم بود.^{۴۱} خانه‌های خلق، برنامه‌های مختلفی در زمینه‌های فرهنگی، نمایشی و هنری داشته و دوره‌های آموزشی و پژوهش‌ها و نشریات خاص خود را داشتند. هر کس اعم از اعضای حزب و غیر آن، می‌توانست از تسهیلات این نهادها بهره‌مند گردد.^{۴۲}

در خصوص تعلیمات مذهبی نیز باید گفت در طی اولین دهه حکومت جمهوری، دو نوع مدرسه تعلیم مذهبی وجود داشت. یکی برجسته تاریخی و فلسفی اسلام تاکید می‌کرد (دانشکده علوم الهی در دانشگاه استانبول) و دیگری، برای تربیت رهبران آزموده که می‌بایست به‌عنوان معلمان روستا، مدارس مخصوص امامان و خطیبان تحت نظارت وزارت معارف خدمت می‌کردند. طی سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۲۴، تعداد مدارس امام خطیب ۲۶ باب با ۳۰۲ معلم و ۱/۴۴۲ دانش‌آموز بود. اما این تعداد در ۱۹۲۷-۱۹۲۶ به ۲ باب با یک دانشکده، مرکب از ۴۱ مدرس با ۲۷۸ دانش‌آموز تقلیل یافت. بدین ترتیب، این تعداد روز به روز کمتر شد تا اینکه در ۱۹۳۰-۱۹۳۱ فعالیت آنها متوقف شدند.^{۴۳}

در کتاب‌های این دوره، در مورد وظایف و اعمال مخصوص اسلام در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی اشارت کمی وجود داشت. در کتاب‌های مربوط به بزرگسالان وظایف نماز و روزه، حج و غیره شرح داده شده بودند. اما این اعمال چنان تفسیر می‌شدند که جنبه عملی آنان را به کمترین حد رسانده و بر ارزش آنها برای دستیابی به زندگی توانمند و شهروندان بهتر در ملت تاکید شده بود.^{۴۴} آلن در بخش جایگاه اسلام در ترکیه جدید می‌نویسد: «چنین به نظر می‌رسد که اعمال معروف به ستون یا پایه‌های دین اسلام به‌طور کلی ناسازگار با نیازهای یک ملت مدرن تلقی نمی‌شوند».^{۴۵}

مدارس خارجی و اقلیت‌ها نیز می‌بایست دست از تبلیغ دینی برداشته و تعالیم مذهبی را از برنامه درسی مدارس خود حذف کرده و همه علایم و نشانه‌های مذهبی را از در و دیوار مدارس

خود پاک می کردند. همچنین از این مدارس خواسته شده بود تا دروس زبان ترکی، تاریخ و جغرافیا و تعلیمات مدنی ترکیه به زبان ترکی را در برنامه درسی خود بگنجانند.^{۴۶} فرهنگ مدارس فرهنگی اثباتی، لائیک و ملی گرا بود. روش تحصیلی در این سیستم نیز به تقلید از فرانسه، آموختن از طریق تکرار کردن بود. همه کتب درسی توسط دولت منتشر می شد و اصلی ترین ماده درسی مربوط به ترکیه، تاریخی ملی گرا بود که با شرح گذشته باشکوه ترک ها در آسیای مرکزی آغاز شده و به انحطاط عثمانی ها و آینده درخشانی که جمهوریت وعده آن را می داد، ختم می گردید.^{۴۷} بنابراین، کتاب های تاریخی این دوره بازنویسی شدند و در حالی که نقش عثمانی ها را ناچیز کردند، بر پیروزی ها و موفقیت های افسانه ای مردم ترک تاکید نمودند.^{۴۸} آموزش تاریخ می بایست فرهنگ ترک را ارج نهاده و در ترکان غرور ملی می آفرید و گذشته ای ملی برای آنها دست و پا می کرد.^{۴۹} این امر مطابق اهداف و نیات دولت مبنی بر حذف میراث عثمانی و ایجاد هویت ملی جدید غیردینی بود.

در این دوره همچنین تلاش شد تا تعداد مدارس تحت حمایت خارجی را بیش از پیش کاهش داده و در مقابل، تعداد مدارس تحت حمایت دولت را به وسیله دعوت از کارشناسان خارجی برای همکاری در مدارس دولتی و فرستادن دانش آموزان مستعد ترک برای تحصیل به خارج افزایش دهند. مطابق آمار سال ۱۹۳۳-۱۹۳۲، تعداد ۲۷۶ دانشجوی ترک که از این میان ۴۴ تن از آنها دختر بودند، در کشورهای اروپایی تحت هدایت و راهنمایی دولت مشغول تحصیل بودند. البته باید توجه داشت که ارقام مذکور جدا از شمار زیادی از دانشجویانی بود که با خرج خود در خارج تحصیل می کرده اند.^{۵۰}

بدین ترتیب نظام آموزش و پرورش ترکیه در این دوره مانند دیگر جنبه های زندگی، تغییرات جامعی به خود دید. هدف، داشتن یک نظام آموزشی علمی، واقع گرا و کاربردی بود که می بایست ترک ها را از نظر روحی و جسمی برای خدمت به ملت آماده کرده و با نهادها و تاسیسات خارجی به صورت موفقیت آمیزی رقابت می کرد. در این دوره یک نظام تعلیم و تربیت غیرمذهبی که از قبل در پیش گرفته شده بود، همراه با خصوصیات ملی گرایانه شدید، جایگزین نظام آموزش سنتی و دینی شد.^{۵۱}

سطوح مختلف نظام آموزشی

نظام آموزشی ترکیه در آغاز به صورت متمرکز بوده و کشور به ۱۲ ناحیه آموزشی تقسیم می شد و هر ناحیه تحت نظارت یک مدیر آموزشی قرار داشت که توسط وزیر منصوب شده و تنها در برابر همین مقام مسئول بود. اما بعدها بر نظام آموزشی غیرمتمرکز نظارت شده و هر ولایت دارای مدیریت آموزشی مستقلی گردید که از سوی حکمران ولایت تعیین می شد و می توانست بر اساس مشکلات و ضرورت های محلی دستورالعمل های وزارت را تعدیل نماید.^{۵۲}

آموزش ابتدایی برای همه کودکان صرف نظر از مذهبشان، اجباری و رایگان بود.^{۵۳} اگرچه بیشتر بر آموزش های فنی و حرفه ای تاکید می شد، با این حال تدریس مواد ادبی و کلاسیک نیز ادامه داشت.^{۵۴} شهروندان ترکیه تنها در صورتی می توانستند در مدارس خارجی به تحصیل بپردازند که تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس دولتی گذرانده باشند. پس از گذراندن دوره ابتدایی، بچه ها وارد دوره سه ساله راهنمایی می شدند و سپس می بایست دوره سه ساله دبیرستان را می گذراندند. دبیرستان های این دوره بر اساس مدل فرانسه ساخته شده و به دو نوع عمومی و حرفه ای تقسیم شده، و آنها را، با همان واژه فرانسوی، «لیسه» می خواندند. فارغ التحصیلان این دبیرستان ها می توانستند وارد دانشگاه استانبول یا دانشگاه جدید آنکارا شوند.^{۵۵}

اگرچه تحصیل در تمام این مراحل مجانی بود، اما به جز مقطع ابتدایی، بقیه مقاطع تنها در شهرها وجود داشتند و تنها تعداد کمی از دهقانان توانایی مالی لازم برای فرستادن فرزندان خود جهت تحصیل به شهرها را داشتند. هرچند بورس تحصیلی دولتی هم برقرار بود، ولی تعداد محدودی می توانستند از آن بهره مند شوند. همچنین تعدادی مدارس نظامی نیز وجود داشتند که به صورت مجانی برای دانش آموزان خوابگاه و پول توجیبی فراهم می کردند و از این طریق، راه را برای پیشرفت اجتماعی فرزندان کم بضاعت جامعه هموار می ساختند. در هر حال، تنها اقلیت کوچکی از دانش آموزان می توانستند خود را حتی به حد تحصیلات دبیرستانی برسانند. بدین ترتیب، مانگو درباره سیستم تحصیلی ترکیه در دوره مورد بحث می نویسد: «... سیستم تحصیلی ترکیه شکل رایج هر می را نداشت و بیشتر شبیه مناره ای بود که از کف یک سکوی وسیع بالا آمده باشد.»^{۵۶}

در این دوره ناهماهنگی میان سطح بی‌سوادی در شهرها و روستاها و همچنین میان مردان و زنان قابل توجه بود. تنها شمار اندکی از کودکان روستایی با توجه به وضع مالی بد خانواده و یا به‌رغم مخالفت والدین، می‌توانستند به سطوح عالی‌تر تحصیلی راه یابند.^{۵۷} سوادآموزی به‌طور آهسته، ولی به‌صورت پیوسته در حال گسترش بود. در حالی که در ۱۹۲۷ تنها ۱۰/۶ درصد از جمعیت کشور سواد خواندن داشتند که از این میان ۱۷/۴ درصد شامل آقایان و ۴/۷ درصد از زنان را تشکیل می‌داد، در سال ۱۹۴۰ این رقم به ۲۲/۴ درصد می‌رسید که ۳۳/۹ درصد شامل آقایان و ۱۱/۲ درصد خانم‌ها را شامل بود.^{۵۸}

در آغاز مشکلاتی زیاد برای اجرای سیستم آموزش و پرورش عمومی وجود داشت؛ ازجمله اینکه تعداد معلم‌ها کم و میزان تحصیلات آنها نیز در سطح دلخواهی نبود، بودجه مورد نظر هرگز جوابگوی نیازها نبود، حقوق کم معلمان و همچنین دشواری کار در روستاها نیز موجب شده بود که بسیاری از جوانان تمایلی به این کار نشان ندهند.^{۵۹} با این حال، برنامه گسترده تربیت معلمان جدید و احداث مدارس جدید در اندک زمانی، آرمان اجباری کردن آموزش ابتدایی در سراسر کشور را محقق ساخت. اما هنوز مشکلاتی چون مشکل تامین معلمان مورد نیاز برای تدریس در نواحی دور دست همچنان ادامه یافته و چنین مشکلاتی، گسترش سطوح عالی‌تر تحصیلی را محدودتر می‌ساخت.^{۶۰}

در سال ۱۹۳۸-۱۹۳۷، ۱۴۰ باب دبیرستان و ۶۸ باب لیسه و ۱۶ دانشسرا یا دارالمعلمین و ۴۷ باب مدرسه حرفه‌ای و ۱۷ موسسه آموزش عالی وجود داشت که مهم‌ترین آنها دانشگاه استانبول بود که در ۱۹۳۶ حدود ۳/۸۸۳ دانشجوی مرد و ۹۲۹ دانشجوی زن داشت.^{۶۱} بدین ترتیب آمار و ارقام در خصوص سطوح عالی‌تر آموزشی، نشانگر پیشرفت اگرچه اساسی، اما قابل توجه بوده است.

در این دوره، تشکیلات آموزشی برجای مانده از دوره تنظیمات نوسازی شدند. دانشگاه عثمانی یا دارالفنون در ۱۹۲۳ به‌صورت دانشگاه استانبول تجدید سازمان یافت. در ۱۹۳۶، دانشکده «زبان و تاریخ و جغرافیا» (دیل و تاریخ - جغرافیا فکولیتسی) به‌عنوان هسته اولیه دانشگاه جدید آنکارا افتتاح شد. در سطوح عالی‌تر آموزشی، بیشتر کارشناسان و مربیان خارجی

به کمک گرفته شدند. اگرچه کیفیت آموزشی ارتقا یافت، ولی زمینه برای مداخله هرچه بیشتر دولت در سال‌های بعدی را فراهم ساخت. همچنین آکادمی‌های فنی توسعه یافته و شمار دانشکده‌ها و مدارس فنی از ۹ باب به ۲۰ و شمار معلمان از ۳۲۸ به ۱۳۰۱ و شمار دانشجویان از ۲/۹۱۴ به ۱۲/۱۴۷ باب رسید.^{۶۲} در سال ۱۹۳۶، یک‌سوم دانش‌آموزان مدارس و یک‌چهارم دانشجویان دانشگاه استانبول را دختران تشکیل می‌دادند.^{۶۳}

لازم به ذکر است که در این دوره، برای بالا بردن سطح آموزش و سواد عموم، از روش‌های تشویقی و تنبیهی نیز استفاده می‌شد؛ از جمله آنها می‌توان به تقلیل خدمت نظام پسران باسواد، پرداخت دویست لیره انعام به دختران باسواد به هنگام ازدواج و تعقیب قانونی والدینی که از فرستادن کودکان خود به مدرسه امتناع می‌کردند، اشاره کرد.^{۶۴}

در هر حال با وجود همه اقداماتی که در این دوره در خصوص آموزش و پرورش صورت گرفت، در سال ۱۹۳۸ سه‌چهارم جمعیت ۱۷ میلیونی ترکیه بی‌سواد بودند و در این میان نیز از هر ۱۰ زن ترک، ۹ نفر آنان قادر به خواندن و نوشتن نبودند. در واقع می‌توان گفت، کار اصلی کمال آتاتورک در زمینه آموزش و پرورش ترکیه، ایجاد یک نظام آموزشی متحدالشکل و همچنین تعیین خط‌مشی‌های فرهنگی این نظام بود.^{۶۵}

در پایان به نظر می‌رسد که باید نظر آلن در مورد اهداف دولت در رابطه با نظام آموزشی را پذیرفت. آلن می‌نویسد که اگر دولت کمال آتاتورک فقط درصدد حفظ قدرت خود بود، هیچ‌گاه یک نظام آموزش و پرورش بسیار دقیق و یک جنگ مصمم با بی‌سوادی همراه با معمول‌سازی قوانین آزادی خواهانه را ضمانت نمی‌کرد؛ چرا که با شکل‌گیری مدارس و توانایی برای خواندن است که دانه‌های دموکراسی کاشته می‌شوند که دیر یا زود ملتی را به وجود می‌آورند که از حکومتی که آسایش و رفاه آنان را تامین نکند، حمایت نخواهند کرد،^{۶۶} به خصوص که خانه‌های خلق و اتاق‌های خلق، درصدد آموزش اصول کمالیسم بودند و مردم‌باوری و جمهوری خواهی دو اصل از شش اصل کمالیسم را تشکیل می‌دادند. در پی اقدامات صورت گرفته در این دوره، یک نسل کامل از ترک‌های مسلمان، از هرگونه تحصیل علوم و معارف مذهبی جز آنچه که به‌طور پراکنده در خانواده‌ها و به کوشش روحانیون فراگرفته می‌شد، محروم شدند.^{۶۷} بدین ترتیب، در

شهرها نسل جدیدی رشد کرده بود که هیچ‌گونه تعلیمات دینی و اخلاقی ندیده بودند و معرفتی از سنن اسلامی نداشت. برای کسانی که به آموزش بالاتر دسترسی داشتند، این امر لزوماً تأثیر بدی نداشت. در روستاها نیز که عادات و رسوم مذهبی و اجدای‌شان را ادامه دادند، نیز چنین بود، اما در شهرها یک قشر بی‌سواد و عامی از مردم رشد کردند که از هرگونه کنترل یا نظارت اخلاقی فارغ بودند. بدین ترتیب، اگرچه جمهوری ترکیه در دوره کمال هرگونه بحث عمومی در خصوص مسایل اسلامی را ممنوع ساخته بود، در اواخر سال ۱۹۴۶ مساله آموزش به‌طور مطلوبی مورد توجه قرار گرفته و آموزش و پرورش اسلامی دوباره در مدارس عمومی برقرار شد. اکنون مشکل این بود که ۲۰ سال بعد از منع آموزش‌های مذهبی، آموزگاران شایسته یا مناسبی برای تدریس دروس اسلامی وجود نداشت.^{۶۸} در سال ۱۹۴۸، مدارس برای تربیت کارگزاران مذهبی (امام خطیب) تحت حمایت دولت گشوده شدند. در سال بعد نیز یک دانشکده الهیات در دانشگاه آنکارا تاسیس شد. همچنین، شماری از مجلات مذهبی انتشار یافتند.^{۶۹}

نتیجه‌گیری

نظام آموزشی ترکیه با انتقال از حکومت عثمانی به جمهوری دچار تحولات بنیادینی شد. در دوره کمال آتاتورک، سیستم آموزشی به‌عنوان وسیله‌ای برای تعلیم، تعمیق و تعمیم سیاست‌ها و آرمان‌های حکومت مورد توجه قرار گرفته و کمال آتاتورک با درپیش گرفتن سیستم آموزشی ملی و سکولار، درصدد دستیابی به اهداف خود مبنی بر ایجاد یک دولت-ملت ترک مستقل و واقع‌گرا و آینده‌نگری بود که مردم ترک را به یک دولت متحد متمدن جهان معاصر تبدیل کند. بدین ترتیب، نظام آموزشی سنت‌گرا و مذهبی و عمدتاً خصوصی، در دوره مورد بحث تبدیل به نظامی غیردینی دولتی گردد.

تعداد کل مدارس و شمار معلمان و دانش آموزان طی سال‌های

حکومت کمال آتاتورک (Demirtaş, 2008, 167).

سال		مدرسه		معلم		دانش آموز	
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
۵۰۶۲	۱۰۰	۱۲۷۳۴	۱۰۰	۳۵۸۵۴۸	۱۰۰	۱۹۲۴-۱۹۲۳	
۶۱۴۹	۱۲۱	۱۶۴۲۰	۱۳۲	۴۱۳۲۸۴	۱۱۵	۱۹۲۵-۱۹۲۴	
۶۱۳۴	۱۲۱	۱۷۰۸۹	۱۳۷	۴۳۱۹۲۳	۱۲۰	۱۹۲۶-۱۹۲۵	
۶۱۵۶	۱۲۲	۱۸۰۱۹	۱۴۵	۴۶۶۱۹۲	۱۳۰	۱۹۲۷-۱۹۲۶	
۶۱۹۲	۱۲۲	۱۷۷۲۸	۱۴۳	۴۹۷۲۹۸	۱۳۹	۱۹۲۸-۱۹۲۷	
۶۷۵۴	۱۳۳	۱۸۲۷۳	۱۴۷	۵۱۷۲۸۶	۱۴۴	۱۹۲۹-۱۹۲۸	
۶۷۲۰	۱۳۳	۱۸۲۵۹	۱۴۷	۵۱۱۲۲۳	۱۴۳	۱۹۳۰-۱۹۲۹	
۶۷۷۵	۱۳۴	۱۹۳۸۳	۱۵۶	۵۳۵۸۳۰	۱۴۹	۱۹۳۱-۱۹۳۰	
۶۸۹۴	۱۳۶	۱۹۸۴۲	۱۶۰	۵۷۲۰۶۸	۱۶۰	۱۹۳۲-۱۹۳۱	
۶۹۷۳	۱۳۸	۱۹۷۰۷	۱۵۸	۶۲۳۲۸۳	۱۷۴	۱۹۳۳-۱۹۳۲	
۶۶۰۲	۱۳۰	۱۸۸۰۶	۱۵۱	۶۵۶۷۳۲	۱۸۳	۱۹۳۴-۱۹۳۳	
۶۶۵۳	۱۳۱	۱۹۸۹۰	۱۶۰	۷۱۷۹۱۷	۲۰۰	۱۹۳۵-۱۹۳۴	
۶۵۲۳	۱۲۹	۱۹۸۷۹	۱۶۰	۷۷۰۵۲۷	۲۱۵	۱۹۳۶-۱۹۳۵	
۶۳۸۶	۱۲۶	۲۰۲۶۱	۱۶۱	۸۱۰۱۹۹	۲۲۶	۱۹۳۷-۱۹۳۶	

تعداد دانشگاه‌ها و کالج‌ها و تعداد اساتید و دانشجویها

طی سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۳۸ (Demirtaş, 2008, 172).

دانشگاه و کالج		اساتید		دانشجو		سال
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۹	۱۰۰	۳۰۷	۱۰۰	۲۹۱۴	۱۰۰	۱۹۲۳-۱۹۲۴
۹	۱۰۰	۳۴۹	۱۱۴	۳۴۸۳	۱۲۰	۱۹۲۴-۱۹۲۵
۱۱	۱۲۲	۴۲۰	۱۳۷	۳۹۳۰	۱۳۵	۱۹۲۵-۱۹۲۶
۹	۱۰۰	۳۲۸	۱۰۷	۳۵۵۱	۱۲۲	۱۹۲۶-۱۹۲۷
۱۲	۱۳۳	۴۵۰	۱۴۷	۴۲۸۲	۱۴۷	۱۹۲۷-۱۹۲۸
۱۲	۱۳۳	۵۱۵	۱۶۸	۴۲۰۴	۱۴۴	۱۹۲۸-۱۹۲۹
۱۱	۱۲۲	۵۰۲	۱۶۴	۳۸۹۹	۱۳۴	۱۹۲۹-۱۹۳۰
۱۱	۱۲۲	۵۲۶	۱۷۱	۴۴۴۳	۱۵۲	۱۹۳۰-۱۹۳۱
۱۲	۱۳۳	۵۲۶	۱۷۱	۴۸۵۳	۱۶۶	۱۹۳۱-۱۹۳۲
۱۲	۱۳۳	۵۰۲	۱۶۴	۵۴۹۷	۱۸۹	۱۹۳۲-۱۹۳۳
۱۵	۱۶۷	۵۷۴	۱۸۷	۶۰۵۰	۲۰۸	۱۹۳۳-۱۹۳۴
۱۵	۱۶۷	۶۹۱	۲۲۵	۶۶۶۶	۲۲۹	۱۹۳۴-۱۹۳۵
۱۶	۱۷۸	۷۴۳	۲۴۲	۷۴۷۸	۲۵۷	۱۹۳۵-۱۹۳۶
۱۷	۱۸۹	۷۹۶	۲۵۹	۸۵۴۴	۲۹۳	۱۹۳۶-۱۹۳۷
۱۷	۱۸۹	۸۳۷	۲۷۲	۹۵۵۸	۳۲۸	۱۹۳۷-۱۹۳۸

پاورقی‌ها:

۱. م. ع. عامری، «تعلیم و تربیت در ترکیه»، مجله یغما، سال سوم، آذر و دی ۱۳۲۹، ص ۳۷۲؛ اولوغ ایگدمیر و دیگران، *آتاتورک*، ترجمه حمید نطقی، نشریه شماره (۱۲)، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸، ص ۱۴۱.
2. Ekmeleddin Ihsanoglu, "The Madrasas of the Ottoman Empire," *Foundation for Science Technology and Civilisation*, 2004, pp.15-17.
3. Suleyman Celenk, *Secularization Process in the History of Turkish Education*, 2009, p. 104.
۴. مرتضی اسعدی، ایران، اسلام، تجدد (مقالاتی در باب فکر و فرهنگ اسلامی در جهان جدید، تهران: بیجا، نشر: طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵.
۵. همان، ص ۱۶۳.
۶. م. ع. عامری، پیشین، صص ۳۷۳-۳۷۲؛
- Morgan Philips Price, *A History of Turkey: from Empire to Republic*, Great Britain, 1956, p. 206.
7. Ahmet ve Mumcu, *Atatürk İlkeleri iNkiLâP Tarihi*, V: II, Ankar, 1987, p. 276.
۸. ولادیمیر لوتسکی، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابایی، تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۲، ص ۱۲۶.
۹. هما ناطق، «پیامد تنظیمات عثمانی (سراغاز بحران سیاسی-فرهنگی)»، مجله فرهنگی-هنری بخارا، سال اول تا سوم، شماره‌های پنجم تا هفتم، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳؛
- Suleyman Celenk, op.cit., p. 104.
10. Ataturk, *London: Turkish National Commission for UNESCO*, 1963, p.153.
۱۱. برنارد لوئیس، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سیحانی، تهران: بیجا، ناشر: مترجم، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱؛ ولادیمیر لوتسکی، پیشین، ص ۱۲۶.
۱۲. برنارد لوئیس، پیشین، صص ۱۵۱-۱۵۲.
13. *The New INTERNATIONAL ENCYCLOPAEDIA*, Volume XIX, New York, University Press, Cambridge, 1905, p. 559.
14. Suleyman Celenk, op.cit., p. 105;
- م. ع. عامری، پیشین، ص ۳۷۳.
۱۵. برنارد لوئیس، پیشین، صص ۳۱۹؛ کریس ابوک، ترکیه، ترجمه: مهسا خلیلی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴، ص ۵۱.

16. Henry Elisha Allen, *The Turkish Transformation: A Study in Social and Religious Development*, New York, Green Wood Press, 1968, p. 93.

۱۷. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد: معاونت

فرهنگی آستان قدس، ۱۳۷۰، ص ۵۱۷

18. Ataturk, p. 154.

19. Suleyman Celenk, op. cit., p. 102.

۲۰. اولاغ ایگدمیر و دیگران، پیشین، ص ۱۴۲.

۲۱. آندرو مانگو، *ترک‌های امروز*، ترجمه اختصاصی برای سکولاریسم نو، بیتا، فصل ۷.

22. Oral SANDER, *Nationalism and Peace: The Significance of Atatürk's Movement*, VOL. XX, 1980-1981, p. 250, at: http://www.politics.ankara.edu.tr/eski/dosyalar/MMTY/20/12_oral_sander.pdf

23. Ibid., pp.137-138.

24. Henry Elisha Allen, op. cit., p. 95.

25. Orhan Akinoglu, "Primary Education Curriculum Reforms in Turkey," *World Applied Sciences Journal*, 2008, vol. 3, no. 2, p.195.

۲۶. برنارد لوئیس، پیشین، ص ۳۷۲؛ استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۳۸؛ محمدهادی فلاحزاده، *آشنایی*

با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲؛

- Suleyman Celenk, op.cit., p. 108.

27. Suleyman Celenk, op.cit., p. 106.

۲۸. ریچارد رابینسون، *جمهوری اول ترکیه*، ترجمه ایرج امینی، تبریز: چاپخانه محمدی علمیه تبریز با همکاری موسسه

انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۶، ص ۸۴؛

- Morgan Philips Price, op.cit., p. 136.

29. Suleyman Celenk, op.cit., p. 105.

۳۰. اسماعیل یاغی، *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص

۱۷۲.

۳۱. برنارد لوئیس، پیشین، ص ۳۸۹.

32. Artun ÜNSAL, *Ataturk Reforms: Realization of Anutopia*, By a Realist, 1981, p.

27, http://www.politics.ankara.edu.tr/eski/dosyalar/MMTY/19/2_by_artun_unsal.Pdf.

۳۳. جواهر نعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶/۱۳۶۹.

۳۴. همان.

۳۵. برنارد لوئیس، پیشین، ص ۳۹۰؛ کریس ابوک، ترکیه، ترجمه مهسا خلیلی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴، ص ۶۵

36. Philip P. Graves, *Briton and Turk*, Great Briton, 1941, pp. 216-217.

۳۷. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۱.

۳۸. آندرو مانگو، پیشین؛ اولاغ ایگدمیر و دیگران، پیشین، ص ۱۴۸.

۳۹. م. ع. عامری، پیشین، صص ۳۷۳-۳۷۴.

۴۰. شادان پروند و زهرا سبحانی، (گردآوری، ترجمه و اقتباس)، زمینه‌های شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۲؛ استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، صص ۶۳۴-۶۳۳.

۴۱. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، صص ۶۳۳-۶۳۶.

۴۲. نظام آموزشی ترکیه، دفتر اطلاع رسانی و سنجش افکار، بیتا، ص ۲۴.

<http://www.iranculture.org/pdf/research/edupol/turkey>

ژان پلرو، ترکیه: جغرافیه، اقتصاد، تاریخ، تمدن و فرهنگ، ترجمه خانبابا بیانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲،

ص ۲۲۲؛ شادان پروند و زهرا سبحانی، پیشین، ص ۱۴۲.

43. Henry Elisha Allen, op. cit., pp. 182-183.

44. Henry Elisha Allen, op. cit., pp. 193-194.

45. Henry Elisha Allen, op. cit., p. 200.

۴۶. اولاغ ایگدمیر و دیگران، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۴۷. آندرو مانگو، پیشین.

48. Guilford A. Dudley, *A History of Eastern Civilizations*, United States of America, 1973, pp. 561-562.

۴۹. علیرضا منافزاده، «تاریخ پرافتخار: کندوکاوی در دیگاه‌های روشنفکری ما نسبت به تاریخ گذشته»، نگاه نو، شماره ۳۶،

۱۳۷۷، ص ۱۲۶.

50. Henry Elisha Allen, op. cit., pp. 124.

۵۱. ریچارد رابینسون، پیشین، ص ۸۷.

۵۲. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۱.

۵۳. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۲ آندرو مانگو، پیشین.
۵۴. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۲.
۵۵. آندرو مانگو، پیشین.
۵۶. همان.
۵۷. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۴۴۲.
۵۸. همان، ص ۶۴۲.
۵۹. محمدحسن کاظمی شیرازی، تاریخ اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱، ص ۳۱۰.
۶۰. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۲.
61. *ENCYCLOPAEDIA BRITANNICA: A New Survey of Universal Knowledge*, The University of Chicago, by ENCYCLOPAEDIA BRITANNICA, INC, Volume 22, 1978, p. 613.
۶۲. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ص ۶۴۳-۶۴۲.
۶۳. ژان پییردرینگ، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه: فرنگیس اردلان، تهران: سازمان انتشارات جاوید، ۱۳۶۸، ص ۱۰۵.
۶۴. شادان پروند و زهرا سبحانی، پیشین، ص ۴۰؛ صدیقه رضایی سیاوشانی، سیمای زن در جهان - ترکیه، تهیه و تنظیم: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ناشر: برگ زیتون، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹.
۶۵. آندرو مانگو، پیشین.
66. Henry Elisha Allen, op. cit., p. 91.
۶۷. استانفورد جی شاو و ازل کورال شاو، پیشین، ص ۶۴۳؛
- Morgan Philips Price, op.cit., pp. 215- 216.
68. Morgan Philips Price, op.cit.; Wilfred Contwell Smith, *Islam in Modern History*, London, Oxford university press, 1957, p.185.
69. Wilfred Contwell Smith, op.cit., p. 185.